

جمهوری اسلامی ایران و امنیت منطقه ای در اوراسیای مرکزی

جهانگیر کرمی^۱ | سلیمان محبی^۲ | علیرضا کریمیان^۳

چکیده

منطقه اوراسیای مرکزی پس از سه دهه هنوز هم با مسائل و مشکلات زیادی در حوزه توسعه و امنیت روبه روست و با وجود امکان های زیادی که برای همکاری و همگرایی وجود دارد اما همچنان منطقه ای متعارض و گسسته به نظر می رسد و حلقه های مفقوده مهمی برای ورود به دوره ای از ثبات، رونق و پیشرفت وجود دارد. پرسش اصلی در این مقاله آن است که سیاست منطقه ای ایران پس از عضویت در سازمان همکاری شانگهای چه پیامدهایی برای امنیت و ثبات در منطقه اوراسیایی دارد؟ فرضیه ای که مطرح می شود آنست که با توجه به تحول رویکرد روسیه در چارچوب طرح اوراسیای بزرگتر، نقش جدید چین در ابتکار کمربند-راه، گسترش سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران در آن، امکان های بیشتری برای همکاری در زمینه تجارت، حمل و نقل، انتقال انرژی فراهم شده که می تواند در توسعه اقتصادی منطقه اثر جدی داشته باشد و امنیت منطقه ای را به طور جدی تری تقویت نماید. نگارندگان کوشش کرده اند تا از الگوی تحلیلی «پیوند توسعه و امنیت» در مطالعات جدید امنیت ملی برای بررسی استدلال های فرضیه خود بهره گیرند. برای بررسی فرضیه از روش تحلیل محتوای کیفی اسناد، متون، گزارشات و خبرهای مربوط به حوزه اوراسیایی بهره گرفته ایم و یافته های این پژوهش نشان می دهند که ایران برای دهه سوم سده بیست و یکم وارد مجموعه ای از همکاری های اوراسیایی می شود که امکان های مهمی برای نهادگرایی، همگرایی، توسعه و امنیت منطقه ای ایجاد می کند.

کلیدواژه ها: ایران، اوراسیا، روسیه، چین، توسعه، امنیت منطقه ای

۱۲۵

سال سی و دوم
زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۰۶/۲۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۲/۲۶
صص: ۲۲۱-۲۴۹

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۴۶۵۴-۴۹۷۱



مقدمه

منطقه اوراسیا از سه دهه پیش عمدتاً عرصه اعمال قدرت روسیه و رقابت آن با دولت‌ها و نهادهای غربی بوده که با وجود تعاملات و فراز و نشیب‌های مختلف، سرانجام در سال ۲۰۱۴ به بحران اوکراین و در سال ۲۰۲۲ به بزرگترین جنگ اوراسیایی و اروپایی از زمان پایان جنگ جهانی دوم تبدیل شده است. از این رو، شرائط منطقه‌ای در سال‌های اخیر دستخوش تحولات مهمی شده و معادلات سیاسی و بین‌المللی آن با دگرگونی عمده‌ای روبرو شده است. رویدادهای مهمی که در این سالها جریان داشته همانند تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیایی^۱، سیاست فعال‌تر چین با ابتکار کمربند-راه^۲، بحران اوکراین و حوادث و تحولات پس از آن، تحریم‌های غرب علیه روسیه، سیاست شرق گرایانه مسکو، ارائه برنامه‌هایی برای تقویت طرح اوراسیایی بزرگتر^۳، گسترش سازمان همکاری شانگهای^۴ با عضویت هند، پاکستان و ایران از مهمترین اتفاقاتی است که اوضاع منطقه را بسیار دگرگون و پیچیده کرده است.

اما یکی از روندهای مهم منطقه را بایستی تغییر جایگاه و نقش ایران نسبت به دهه‌های گذشته دانست که به نظر می‌رسد در یک سال اخیر بیش از هر دوره دیگری متحول شده است. رویدادهایی مانند توافقنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ که از سال ۲۰۱۹ اجرایی شده و تمدید آن برای یک دوره سه ساله دیگر در سال ۲۰۲۲، توافق تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۵ در چهارم دی ماه ۱۴۰۲ و عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای در ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ نیز که پس از ۱۵ سال از زمان نخستین درخواست آن تحقق یافته، بیش از پیش اهمیت و تاثیر ایران را در حوزه اوراسیایی مرکزی نشان داده است.

در حقیقت، جایگاه راهبردی ایران در نقطه پیوند سه منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه، اوراسیا و شرق آسیا به این کشور موقعیتی منحصر در سده بیست و یکم می‌بخشد و نظام جهانی در روند دگرگونی خود نمی‌تواند این مناطق را دست کم بگیرد و اهمیت ایران در این روند به گونه‌ای است که برخی پژوهشگران به تصریح «نبرد برای ایران را نبرد برای روح اوراسیا»

1. Eurasian Economic Unity (EAEU)
2. Belt-Road Initiative (BRI)
3. Greater Eurasian Project (GEP)
4. Shanghai Cooperation Organization (SCO)
5. <https://dolat.ir/detail/431818>

(Asisian, 2022: 10) دانسته اند. این موضوع البته نو و بی راه هم نیست و آرمستو مورخ بزرگ جهانی نیز ایران را « نخستین امپراتوری اوراسیایی » (آرمستو، ۱۳۹۳: ۱۹۷) دانسته است و در دوران کنونی هم بخاطر دسترسی مستقیم به هارتلند اوراسیا، دریای خزر و قفقاز جنوبی، خلیج فارس و اقیانوس هند، یک فرصت راهبردی منحصر به فرد برای بازیگری در نظام منطقه ای و بین المللی در حال شکل گیری دارد. اگر چه، این بازیگری به تصمیمات راهبردی، خردمندانه و واقع نگر و از اینها مهم تر، اراده و فراهم ساختن ابزار مناسب در این بازی جدید بستگی دارد که اگر از آنها غفلت شود، فرصت های موجود نیز از دست خواهد رفت.

از زمان دگرگونی اساسی در محیط اوراسیایی در سه دهه گذشته، همواره نقش آفرینی ایران به ویژه در حوزه های آسیای مرکزی، خزر و قفقاز یک مساله مهم بوده که در زمان هایی چون نخستین سال های پسا شوروی در اولویت قرار داشته و سپس در دوره های بعد کمتر به آن توجه شده، و میزان تجارت با این کشورها به روشنی نشان دهنده چنین وضعیتی است.^۱ اگر چه هرگز تعاملات ایرانی و اوراسیایی تعطیل نشده و ارتباطات فرهنگی و سیاسی محدودی وجود داشته است. طبعاً اینکه چرا با وجود این جایگاه مهم تاریخی، تمدنی، فرهنگی و ژئوپلیتیک، اما ایران نتوانسته که در سه دهه گذشته نقش و جایگاهی به فراخور این ویژگی ها داشته باشد، موضوعی نیست که در اینجا بررسی شود و نیازمند یک بررسی و تتبع جداگانه است.

اما مساله اصلی در این پژوهش آنست که بخاطر مجموعه ای از تحولات که در محیط جهانی، منطقه ای و داخلی کشورها و نیز ایران رخ نموده است، چگونه می توان نسبت ایران را با آنها در شرائط جدید منطقه ای اوراسیایی تبیین نمود. لذا رویدادهای مهم منطقه ای از دهه گذشته و به ویژه از سال ۲۰۱۴ و پس از بحران اوکراین و دگرگونی بنیادین در نظام منطقه ای و سیاست قدرت های بزرگ و منطقه ای را مفروض مهمی برای تغییر نقش و جایگاه ایران در نظر گرفته ایم. مفروض دیگر را نیز دگرگونی شرائط داخلی سیاست در ایران می دانیم که اراده ای جدی تر از گذشته را برای یک نقش آفرینی اوراسیایی در قالب دو مفهوم « سیاست همسایگی^۲ » و « سیاست شرقی^۳ » و هم پوشانی های آنها مطرح شده است.

۱. ایران در سال های گذشته در میان ده شریک تجاری برتر کشورهای منطقه نبوده است.

2. Neighbourhood Policy
3. Eastern Policy

بنابراین، برای تدقیق این مساله سوال اصلی آنست که سیاست منطقه ای ایران در پرتو شرائط جدید و به ویژه عضویت رسمی در سازمان همکاری شانگهای چه پیامدهایی برای امنیت منطقه ای در اوراسیا دارد؟ فرضیه ای که مطرح می شود آنست که با توجه به تحول رویکرد روسیه در چارچوب طرح اوراسیای بزرگتر، نقش جدید چین در ابتکار کمربند-راه، گسترش سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران، امکان های بیشتری برای همکاری در زمینه تجارت، حمل و نقل، انتقال انرژی فراهم شده که می تواند در توسعه اقتصادی منطقه اثر جدی داشته باشد و امنیت منطقه ای را به طور جدی تری فراهم نماید. نگارندگان کوشش کرده اند تا از الگوی تحلیلی « پیوند توسعه و امنیت^۱» در مطالعات منطقه ای و بررسی های جدید امنیت ملی در چارچوب نظریه همگرایی منطقه ای^۲ برای کندوکاو و استدلال در فرضیه خود بهره گیرند. این مفهوم کمک زیادی به بحث در باره ایده اصلی این مقاله می کند و می تواند درک بهتری از سیاست ایران در منطقه ایجاد کند. بین مسائل اقتصادی و امنیتی منطقه رابطه متقابلی وجود دارد و با توجه به واقعیت های منطقه و مشاهدات نگارندگان، مهم ترین مشکل کشورهای منطقه را ناکارآمدی دولت ها در تامین اقتصادی و رسیدن به توسعه پایدار می دانیم.

برای بررسی فرضیه مقاله از روش تحلیل محتوای کیفی اسناد، داده ها، گزارش ها و متون مرتبط با حوزه مطالعاتی اوراسیا و ایران بهره خواهیم گرفت. تمرکز اصلی این مقاله بر مسائل اقتصادی و امنیتی منطقه و تعامل آنها از منظر تحولات منطقه و نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران است و حتی الامکان کوشش شده تا از ورود به سایر موضوعات خودداری کنیم. یافته اصلی این پژوهش آن است که ایران برای دهه سوم سده بیست و یکم وارد مجموعه ای از همکاری های اوراسیایی می شود که امکان های مهمی برای نهادگرایی، همگرایی، توسعه و امنیت ایجاد می کند. در تنظیم ساختار پژوهش ابتدا به تحولات و ابتکارات جدید در منطقه اوراسیا از سال ۲۰۱۴ می پردازیم. سپس ویژگی های سیاست خارجی جدید ایران و قابلیت های آن را بررسی می کنیم. و سرانجام نیز با بیان پیامدها و آثار این سیاست جدید برای منطقه به استنتاج از مباحث می پردازیم.

1. Security-Development Nexus
2. Regional Integration Theory

پیوستگی امنیت و توسعه

تا پیش از دهه ۱۹۶۰ میلادی مطالعات سیاسی و بین‌المللی بر مولفه‌های قدرت نظامی و کنترل دولتی برای تامین امنیت ملی و منطقه‌ای تاکید می‌کردند. اما به تدریج حوزه‌های مطالعاتی جدیدی مانند مطالعات راهبردی، مطالعات امنیتی و مطالعات صلح شکل گرفتند که امنیت را امری جامع، چندوجهی و فراتر از صرف نبود تهدیدات نظامی دانسته و ویژگی‌هایی چندبعدی‌تر در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مطرح نموده و برای تامین آن نیز آنسوتر از قدرت نظامی بر متغیرهایی چون توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و توسعه انسانی تاکید می‌کردند. از این نگاه، با وجود اهمیت و فوریت قدرت نظامی برای مقابله با تهدیدهای سخت و خارجی، اما بدون برخورداری از میزانی مناسب از توسعه همه‌جانبه امکان دستیابی به وضعیت پایداری از امنیت برای جوامع ملی و مناطق وجود نخواهد داشت و تجربه همگرایی‌های فزاینده منطقه‌ای و پیدایی جوامع امن منطقه‌ای در پرتو تجربه کشورهای پیشرفته‌تر و اندیشه ورزی محققان در مفهوم سازی از این تجربه‌ها به ژرفابخشی مطالعات امنیتی مدد رسانید.

اما از سوی دیگر، در مطالعات توسعه نیز موضوع امنیت از اهمیت زیادی برخوردار است و محققانی چون لفت و یک بر مقوله دولت کارآمد و توان آن در حکمرانی موثر برای رسیدن به توسعه (لفت و یک، ۱۳۸۴) تاکید زیادی کرده‌اند. محمد ایوب نیز امر دولت سازی و رسیدن به یک نظام مشروع و فراگیر را برای سیاستگذاری بسیار حیاتی دانسته است (Ayoob, 1995). در واقع، بدون یک دولت سازی موفق، دولت یکپارچه و کارآمد، برخوردار از اقتدار داخلی و استقلال خارجی و میزان کافی از امنیت در محیط درونی و بیرونی، امکان اندکی برای برنامه ریزی توسعه، اجرای برنامه‌ها و دستیابی به موفقیت فراهم خواهد بود. در این رابطه/استیوارت می‌نویسد:

نامنی در ساده‌ترین شکل خود موجب کاهش رشد اقتصادی، صادرات، درآمد سرانه و به طور کلی تولید ناخالص داخلی می‌شود. اما ارتقای امنیت بخش مهمی از پیشرفت اجتماعی است و تا جایی که چنین پیوند چندگانه‌ای بین امنیت و توسعه وجود داشته باشد، سیاست‌هایی که

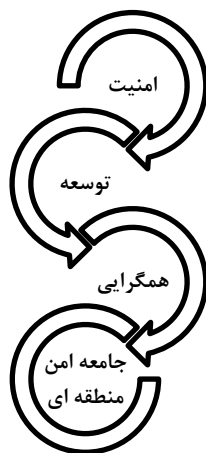
امنیت را افزایش می‌دهند به توسعه نیز کمک خواهند کرد و به گونه مشابهی، سیاست‌های توسعه نیز می‌توانند امنیت را افزایش دهند (Stewart, 2004).

از این رو، اگرچه در بادی امر، موضوع امنیت و توسعه دو موضوع جدا به نظر می‌رسند، اما واقعیت آنست که امنیت و توسعه متقابلاً یکدیگر را برای ایجاد صلح منطقه ای تقویت می‌کنند. شبکه امنیت-توسعه به محیط سیاسی و اقتصادی در جهان در حال توسعه به عنوان عوامل اصلی چرخه‌های به ظاهر ناگسستنی خشونت و فقر اشاره دارند (Schievels, 2019). در حقیقت، در دنیایی که به طور فزاینده‌ای به هم پیوسته و پیچیده است، مشخص شده که امنیت و توسعه به‌ویژه در کشورهای کم توسعه یافته به طور جدایی ناپذیری با هم مرتبط هستند. تهدیدهای امنیتی می‌تواند ریشه‌های اجتماعی-اقتصادی داشته باشد. این رابطه می‌تواند پیچیده باشد: تاخیر در توسعه منجر به نارضایتی می‌شود و نگرانی‌ها و اعتراض‌ها می‌تواند توسعه را تهدید کند. بیانیه هزاره سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ بر صلح و امنیت به عنوان پیش نیازهای کاهش فقر تأکید می‌کرد و بررسی دیگر اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد بار دیگر تأیید می‌کرد کشورهایایی که بیشترین آسیب را از درگیری، بی ثباتی و دگرگونی متضرر دیده اند در کاهش فقر بسیار عقب مانده اند (SIPRI, 2015).

در نظریه‌های نهادگرایی بین‌المللی، اساساً الگوی وابستگی متقابل از جایگاه ویژه ای برخوردار است و مباحث آن در سطح منطقه ای موجب شکل‌گیری نظریه‌های مهمی چون همگرایی منطقه ای شده است که راه حل مشکلات مربوط به توسعه و امنیت را توجه به سطوح عادی تر سیاست یا به تعبیر آنها «سیاست عادی»^۱ می‌دانند. با وجود برخی اختلاف نظرها در مورد مفاهیم و مولفه‌های اصلی نظریه‌های همگرایی، اما امر همگرایی به عنوان روندی پنداشته می‌شود که به مرور زمان و بر اساس وجود عناصری چون ضرورت‌ها و نیازهای دولت‌ها، نگرش توسعه‌گرای نخبگان سیاسی جوامع و گسترش مبادلات و ارتباطات در سطح منطقه به وضعیت همگرایی منطقه ای شکل می‌دهند و محصول مهم این همگرایی به تعبیر کارل دویچ در ایجاد یک «جامعه امن منطقه ای» پدیدار خواهد شد (بلامی، ۱۳۸۶: ۲۱). از این روف از نگاه دویچ، جوامع امن به دو شکل ادغامی و چندگانه از هراس ناشی از جنگ دور خواهند بود. در این رابطه تجربه

همگرایی‌های منطقه‌ای موثر در جهان همانند اتحادیه اروپا و آسه آن در جنوب شرقی آسیا به خوبی نشان می‌دهد که توسعه تا حد مناسبی از یک جامعه امن منطقه‌ای پشتیبانی کرده است. بر اساس مطالبی که در باره رابطه امنیت و توسعه آمد، می‌توان نتیجه گرفت که در سطح منطقه‌ای دو مولفه مذکور نقشی اساسی برای شکل‌گیری نهادگرایی و همگرایی داشته و این دو نیز در تامین امنیت و توسعه نقشی کلیدی خواهند داشت و از این رو، دستیابی به همگرایی و جامعه امن به عنوان آرمان نظریه پردازان نهاداگرا در مورد مطالعات منطقه‌ای، در گرو شکل‌گیری شبکه‌ای از تعاملات منطقه‌ای معطوف به همکاری خواهد بود. بر این اساس، امنیت مبنای اصلی برای شکل‌گیری توسعه خواهد بود، اما توسعه نیز خود به عنوان عاملی برای ژرفابخشی به امنیت و تداوم و پایداری آن عمل خواهد کرد و از این رو، بدون هم تکمیلی آنها، نه توسعه محقق می‌شود و نه امنیت پایداری می‌یابد. در صورت وجود امنیت و سیاست‌گذاری مستعد توسعه و دستیابی به میزانی مناسب از آن، هر منطقه‌ای می‌تواند مسیر همگرایی را به آرامی تجربه کند و پویایی پیوند امنیت و توسعه، امکان تسری عمودی و افقی این وضعیت را از یک کشور به دیگر همسایگان فراهم نموده و مجموعه‌ای از کشورها امکان دستیابی به همگرایی را خواهند داشت که در صورت گسترش می‌تواند به یک جامعه امن منطقه‌ای برسد. الگوی تحلیلی زیر می‌تواند برای جمع‌بندی یافته‌های نظری ما در این بخش و بهره‌گیری از آن در تحلیل مباحث متن اهمیت زیادی داشته باشد.

الگوی تحلیلی شماره ۱: امنیت و توسعه؛ منبع: نگارندگان



بر اساس این مدل تحلیلی که از مفاد اساسی نظریه همگرایی منطقه‌ای و به ویژه در تفسیر دویچ و بلامی از آن برگرفته شده است، امنیت امری فوری، حیاتی و بنیادین برای حیات سیاسی ملی و منطقه‌ای پنداشته می‌شود که بدون برخورداری از میزان مناسبی از آن، امکان بقای نظام‌های سیاسی و ملت‌ها محدود خواهد شد و اما این امر نباید دولتمردان را از مقوله معمای امنیتی غافل نماید. معمای امنیتی وضعیتی است که تأکید گسترده و تمهید وسیع امنیت بدون در نظر گرفتن دیپلماسی، تعامل و اعتماد سازی می‌تواند به رقابت و مسابقه تسلیحاتی و نهایتاً بهم خوردن موازنه و اقدام به جنگ از سوی بازیگران منجر شود. از این رو، مقوله کفایت دفاعی برای امر امنیت، به منزله خودداری از ورود در دام معمای امنیتی خواهد بود و پس از آن، دولت‌ها بایستی هم برای تعمیق و پایداری امنیت و هم برای انجام کارکرد رفاهی و معیشتی و تامین زندگی ملت‌ها به امر توسعه اقتصادی پردازند تا هزینه‌های امنیت نیز به آسانی تامین شود و از سویی نیز این رفتار دولت‌ها می‌تواند تعاملات آن‌ها را در محیط امنیتی به سوی بازی حساب جمع^۱ سوق دهد و در نتیجه پیشرفت در امر توسعه گامی برای تسری افقی و عمودی همکاری در سایر حوزه‌ها و از جمله سیاست حاد^۲ خواهد بود که در نتیجه آن، همگرایی منطقه‌ای و سپس جامعه امن منطقه‌ای شکل می‌گیرد.

دگرذیسی روندها در اوراسیای بزرگتر

منطقه اوراسیا که در متون بین‌المللی به اوراسیای مرکزی هم مشهور است بیشتر به کشورهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی اطلاق می‌شود. اما بر اساس طرح اوراسیای بزرگتر روسیه، این قلمرو در برگیرنده کشورهای همسایه این جمهوری‌ها و بلکه فراتر از آن از چین تا هند، ایران و ترکیه و حتی بخش‌هایی از اروپا را هم در بر می‌گیرد. این عرصه در طی سه دهه گذشته و از زمان استقلال کشورهای منطقه در سال ۱۹۹۱ به تدریج دگرگون شده و از منطقه‌ای کاملاً تحت کنترل روسیه به منطقه‌ای با حضور و نفوذ بازیگران مختلف تبدیل شده است. و از این رو، روندی که در دهه دوم قرن بیست و یکم در این منطقه آغاز شده، بر اساس نقش روسیه، چین، ایران و ترکیه بیشتر قابل درک است. حتی پس از سال ۲۰۱۴ نیز معادلات سیاسی و بین‌المللی منطقه

1 Positive Sum Game

2 High Politics

پیچیده تر شده و جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین می تواند شرائط را با دگر دیسی بیشتری روبرو ساخته و آینده این وضعیت تا حد زیادی به نتایج این جنگ بستگی خواهد داشت.

از همه مهم تر اینکه سیاست روسیه در منطقه در طی سه دهه گذشته تغییرات مهمی را تجربه کرده است. کرملین از زمان خانه مشترک اروپایی گورباچف در سال ۱۹۸۵، سپس آتلانتیک گرایبی یلتسین در سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹ و سرانجام طرح جامع امنیت اروپایی (از ونکوور تا ولادی وستوک) در سال ۲۰۰۸ تا بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ دوران دشواری را پشت سر گذاشته است. طرح مدویدف در سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ بنا داشت که یک معاهده امنیتی مبتنی بر سازمان امنیت و همکاری اروپا به عنوان جایگزینی برای ناتو ایجاد کند که طبق قوانین بین المللی الزام آور باشد و روسیه نیز بخشی از آن باشد. اما کشورهای غربی که از موضع بالادست به روسیه نگاه می کردند و امریکا نیز که صرفا به دنبال حفظ ناتو به عنوان ابزاری برای هژمونی بر اروپا و مجموعه کشورهای غربی ست، به این پیشنهاد پاسخی ندادند. هر چند که ایده از زمان جنگ گرجستان ۲۰۰۸ به طور فزاینده ای مورد توجه قرار داشت (Klein, 2009) و در محافل علمی و پژوهشی به عنوان راهکاری برای ادغام منطقی روسیه در معادلات امنیتی اروپایی مطرح شد.

به طور کلی، راهبرد کلان روسیه برای حفظ و تقویت پیوندهای منطقه اوراسیا در فضای پس از شوروی از طریق نهادگرایی منطقه ای و در قالب سه نهاد « سازمان کشورهای مستقل مشترک المنافع^۱»، « سازمان پیمان امنیت جمعی^۲» و « اتحادیه اقتصادی اوراسیایی» در بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ شکست خورد و در حقیقت، بدون مشارکت اوکراین در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، طبعا این نهاد برای روسیه کارایی لازم را نداشت. بنابراین، پوتین در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۶ طرح «اوراسیای بزرگتر» را اعلام کرد که هدف آن همکاری بیشتر بین اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، سازمان همکاری شانگهای، طرح کمربند راه چین و کشورهای منطقه ای مانند ایران، ترکیه و چین است. پیش از این نیز، در سال ۲۰۱۵، پوتین از اوراسیا به عنوان یک صفحه شطرنج یا زمین بازی ژئوپلیتیکی و خانه صلح آمیز و برخوردار ما یاد کرده بود (Sukhankin, 2018). لذا به نظر می رسد که طرح اوراسیای بزرگتر چشم اندازی از یک قدرت بزرگ در اتحاد با شرکای آسیایی

1 Commonwealth of Independent States (CIS)

2 Collective Security Treaty Organization (CSTO)

برای ایجاد یک سیستم قاره ای به دور از ایالات متحده است که در عین حال، امکان‌هایی برای مشارکت اروپا نیز در بر خواهد داشت (Burdahev, 2019).

در واقع، هدف پروژه بزرگ اوراسیا فراتر از قلمرو سنتی اوراسیایی از نگاه روسیه یا همان قلمرو اتحاد جماهیر شوروی است و بر اساس طرح‌های مشترک، افزایش مشارکت منطقه ای و گسترش شرکای رسمی سازمان همکاری شانگهای تا جنوب آسیا و خلیج فارس است. همچنین با توجه به ابعاد رو به وخامت تحریم‌های غرب برای روسیه از زمان بحران ۲۰۱۴ اوکراین، دامنه همکاری‌های اقتصادی را با هدف توسعه اقتصادی منطقه ای به طور جدی افزایش خواهد داد. از این رو، روسیه در چارچوب سیاست شرقی جدید خود، قراردادهای بزرگ انرژی با چین امضا کرد و توسعه در خاور دور را با مشارکت چین مورد توجه قرار داد. در حقیقت، اوراسیای بزرگتر دارای قابلیت و مزایای زیادی است. از منظر ژئوپلیتیک، این طرح می‌تواند غرب روسیه را در کوتاه مدت تثبیت کند. از منظر ژئواکونومی نیز در راستای منافع چین و روسیه بوده و دارای یک مبنای عملی مستحکم است (Yiwei and Minnong, 2022). روسیه تلاش دارد از طریق شکل دادن به یک قطب جدید قدرت، روند گذار به یک نظام چند قطبی متوازن را تسهیل کند اما به دلیل فقدان ظرفیت‌های مادی و ایدئولوژیکی برای چنین سازوکاری به همکاری سایر قدرت‌های جهانی و منطقه ای نیاز دارد (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۹: ۱۸۹).

یکی دیگر از تحولات مهم در منطقه اوراسیا شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در سال ۲۰۱۴ و فعالیت رسمی آن در سال ۲۰۱۵ بود که البته پیش از آن نیز به بحران ۲۰۱۴ اوکراین دامن زد. معاهده این سازمان از سوی کشورهای بلاروس، قزاقستان و روسیه امضا شد و بعداً ارمنستان و قرقیزستان هم به آن پیوستند. اتحادیه سعی کرده با سایر کشورها و سازمان‌های اقتصادی مذاکره و یک توافقنامه تجارت ترجیحی امضا کند. در این زمینه می‌توان به ایران، ترکیه، چین، کره شمالی و کره جنوبی اشاره کرد. همکاری بین اتحادیه و کشورهای منطقه نیز عمدتاً در راستای طرح اوراسیای بزرگتر است. این اتحادیه دارای بازار واحد یکپارچه با ۱۸۴ میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی حدود ۲ تریلیون دلار (۳/۲ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهانی) است و همکاری اقتصادی با کشورهایی قدرتمند چین، ایران و ترکیه آن را تقویت می‌کند. اگر چه بنابه آمارهای

^۱ در مورد آمار مربوط به وضعیت اقتصادی و جمعیتی این اتحادیه بنگرید به سایت اتحادیه به آدرس:

<http://www.eaeunion.org/?lang=en#about>

موجود، تحریم های گسترده غرب علیه روسیه پس از بحران اوکراین ۲۰۲۲، اتحادیه را در کوتاه مدت تضعیف کرده، اما با گسترش همکاری های اتحادیه با چین و سایر کشورها، از ابعاد این موضوع کاسته شده است.

همچنین بایستی به فعال تر شدن چین در منطقه اوراسیا اشاره کنیم. چین از سال ۲۰۱۰ شریک نخست تجاری کشورهای منطقه آسیای مرکزی تبدیل شد و به تدریج چهار خط انتقال انرژی را از آسیای مرکزی به چین راه انداخت. همچنین باید به سرمایه گذاری مستقیم این کشور در کشورهای منطقه اشاره کرد (عزیزی، ۱۳۹۵: ۷۸-۸۱). اما ابتکار کمربند-راه که در سال ۲۰۱۳ راه اندازی شده و قرار است تا سال ۲۰۴۹ ارتباطات چین با جهان را گسترش دهد، مهم ترین طرح چین و البته فراتر از آسیای مرکزی و اوراسیاست. بر اساس این طرح بزرگ، دولت چین عمدتاً به دنبال دسترسی به روسیه، قفقاز، ایران و خلیج فارس و همچنین مناطق اطراف آن برای حمل و نقل جاده ای و ریلی از طریق آسیای مرکزی خواهد بود. در ابتدا روسیه نگران این طرح بود و آن را ابزار چین برای نفوذ در حیاط خلوت خود در آسیای مرکزی می پنداشت، اما به تدریج نگاهش تغییر کرد (ملکی و رثوفی، ۱۳۹۵: ۵۴). سایر کشورهای اوراسیایی و ایران از همان آغاز از این ابتکار استقبال می کنند و آن را در راستای تقویت همکاری و همگرایی در منطقه می دانند. به نظر می رسد طرح کمربند و جاده در کنار سازمان همکاری شانگهای آخرین مرحله بازگشت چین به خشکی اوراسیا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. چین اوراسیا را به طرق مختلفی تغییر شکل داده است که پیش از این به عنوان یک موجودیت روسی تلقی می شد. ابتکار جدید همچنین نمادی از تلاش برای ایجاد نظم جایگزین در اوراسیا و جهان گسترده تر به عنوان بخشی از نقش جهانی آن برای به چالش کشیدن سلطه ایالات متحده است، که هشدار مکیندر را نسبت به یک رقیب در حال ظهور از اوراسیا افزایش می دهد (Harper, 2019).

توسعه سازمان همکاری شانگهای با عضویت هند، پاکستان و ایران از دیگر تحولات مهم منطقه اوراسیا است. سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ بر اساس نشست شانگهای-۱۵ شکل گرفت و به سازمان جدیدی تبدیل شد که چین، روسیه، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان را در بر می گرفت. سپس در سال ۲۰۱۸ هند و پاکستان و در ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ نیز ایران به عضویت آن پذیرفته شد. حدود یک سوم مساحت جهان و یک چهارم تولید ناخالص داخلی

1 Shanghai Five

جهان را تشکیل می‌دهد. ماموریت و فعالیت‌های این سازمان در آسیای مرکزی است و هدف اصلی این سازمان کمک به صلح، امنیت و همکاری‌های اقتصادی است. البته این سازمان هنوز نتوانسته به یک نهاد مهم و موثر همگرایی منطقه‌ای تبدیل شود، اما عضویت روسیه، چین، هند و ایران در این سازمان نشان از همکاری مهم شرقی در مبارزه با ترور، تندروی و جدایی‌خواهی دارد و می‌تواند با توجه به قدرت یابی طالبان در افغانستان از سال ۱۴۰۰ نقش جدی‌تری در آینده بازی کند.

دشوار تر از همه این تحولات را باید جنگ اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ دانست که تأثیرات متناقضی بر منطقه اوراسیا خواهد داشت. از یک سو، پیش از آغاز بحران، روسیه و چین در بیانیه‌ای که از سوی رهبران دو کشور منتشر شد، از همکاری راهبردی صحبت کردند. طبیعی است که تحریم‌های غرب علیه روسیه می‌تواند به همکاری بیشتر روسیه و کشورهای اوراسیا کمک کند. از سوی دیگر، با تضعیف روسیه به دلیل بحران اوکراین و در نتیجه تحریم‌ها و همچنین نگرانی کشورهای اوراسیایی، همکاری در اوراسیا آسیب خواهد دید. یکی از پیامدهای بحران اوکراین می‌تواند این باشد که بدون همکاری با اروپا، امکان اجرا و پیگیری پروژه‌های بزرگ اوراسیا محدود می‌شود. در این رابطه پی‌وی و مینونگ می‌نویسد:

که اگرچه روسیه از نظر راهبردی می‌تواند به شرکای آسیایی خود تکیه کند، اما نمی‌تواند خود را از نظر جغرافیایی از اروپا جدا کند. اگر روسیه قصد دارد اوراسیای بزرگ را به شرق پیوند دهد، ثبات اروپا باید در نظر گرفته شود: همکاری با طرح کمربند و جاده، که مسیر آن به سمت غرب می‌رود، نیز بخش عمده‌ای از اوراسیای بزرگ است. بنابراین اروپا را نباید به طور کامل نادیده گرفت. اگر اروپا به طور کامل کنار گذاشته شود، اوراسیا بزرگ در درازمدت با خطرات متعددی مواجه خواهد شد. این خطرات را می‌توان از جنبه‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک نیز تحلیل کرد (Yiwei and Minnong, 2022).

نکته بسیار مهم این است که منطقه موثر ملی^۱ روسیه در قسمت اروپایی این کشور واقع شده است و حدود ۸۰ درصد از مردم روسیه و زیرساخت‌های ارتباطی، حمل و نقلی، صنعتی و آموزشی در قسمت اروپایی آن هستند و هر اقدامی در ارتباط با طرح اوراسیای بزرگتر نیز مستلزم

۱ مفهوم منطقه موثر ملی (National effective area) را سائول کوهن در کتاب ژئوپلیتیک نظام جهانی مطرح کرده است. برای مطالعه در این مورد بنگرید به: سائول کوهن (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران، ابرار معاصر.

نیروی کار است. همچنین باید به تأثیر تحریم‌ها بر افزایش مشکلات فنی در روسیه اشاره کرد که می‌تواند مانعی برای فعالیت بیشتر روسیه باشد. آنگونه که در بحث مبانی نظری نیز اشاره شد، در دنیای امروز امنیت و اقتصاد به شدت به یکدیگر وابسته هستند و ارتباط زیادی بین امنیت و اقتصاد مناطق مختلف وجود دارد و نمی‌توان امنیت اوراسیا و اروپا را به سادگی جدا از هم تصور کرد. بر این اساس، نمی‌توان پیامدهای جنگ اوکراین را برای منطقه اوراسیا، برنامه‌های روسیه و چین و همچنین نهادهای اوراسیایی نادیده گرفت و اینکه بحران اوکراین چگونه پایان می‌یابد یا چقدر طول می‌کشد برای منطقه اوراسیا بسیار مهم است.

بنابراین، مجموعه تحولات منطقه اوراسیا به ویژه از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲ نشان دهنده دگرگونی‌های اساسی در محیط منطقه‌ای اوراسیایی و شکل‌گیری واقعیت‌هایی جدیدی است که نگاه به آن با همان نگرش دهه‌های پیشین درست نیست و بایستی به این روندها و وضعیت در حال تثبیت منطقه‌ای در پرتو آنها دقت کرد و اراده جدی دولت‌های روسیه، چین، ایران، هند، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی برای همکاری‌های گسترده‌تر در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و همچنین طرح‌های منطقه‌ای مانند ابتکار کمربند-راه چینی و طرح اوراسیای بزرگتر بخش مهمی از این روند دگرگون‌شونده را نشان می‌دهند که بر سیاست اوراسیایی ایران نیز بی‌تأثیر نبوده‌اند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

سیاست اوراسیایی جدید ایران

جمهوری اسلامی ایران از زمان استقلال کشورهای منطقه روابط گسترده‌ای را با آنها برقرار کرده و طرح‌هایی را در زمینه امنیت و توسعه منطقه ارائه کرده است. در این رابطه می‌توان به گسترش سازمان همکاری اقتصادی (ا.ک.و)^۱، پیشنهاد غیر نظامی ماندن دریای خزر، سازمان کشورهای ساحلی دریای خزر، همکاری منطقه‌ای در قفقاز و نیز عضویت در نهادهای منطقه‌ای و یا همکاری سازنده با آنها اشاره کرد. افزون بر سه هزار کیلومتر مرز و و نزدیک به پنج هزار کیلومتر جغرافیای همجواری از افغانستان تا ترکیه و در دریای خزر، ایران را به یک واقعیت مهم برای منطقه تبدیل کرده است. از سوی دیگر، محیط منطقه‌ای باز در قفقاز و آسیای مرکزی و شرایط برای حضور و نفوذ دشمنان و رقبای ایران، ضرورت توجه به منطقه را ایجاد می‌کرد. ایران

1 Economic Cooperation Organization (ECO)

از قابلیت‌های تعاملی گسترده‌ای در حوزه تاریخی، فرهنگی، مذهبی، زبانی و همزیستی با کشورهای منطقه برخوردار بوده است و از سوی دیگر نیز قابلیت‌های جغرافیایی، اقتصادی، زیرساختی و حمل و نقلی ایران برای انتقال انرژی، تجارت و دسترسی به دریاهای آزاد بسیار اهمیت دارد.

به خاطر مجموعه‌ای از مشکلات در داخل کشور، منطقه و در سطح بین‌المللی، و از همه مهم‌تر، فشار آمریکا بر کشورهای منطقه و پیگیری سیاست «همه چیز منهای ایران»^۱، امکان کمتری برای تحقق طرح‌های ایران فراهم آمده و ایران نیز به ناگزیر برای کاهش این فشارها به یک سیاست شرق‌نگر روی آورده است. از این رو، سیاست شرقی ایران بیش از هر چیز ریشه در موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بین شرق و غرب و تنش‌های طولانی مدت ایران و آمریکا در چهار دهه گذشته دارد. پس از انقلاب اسلامی، روابط ایران و بلوک شرق و غرب نسبتاً متعادل بود. اما پس از پایان نظام دوقطبی بین‌المللی در سال ۱۹۹۰، به دلیل فشارهای آمریکا و سپس همکاری اروپا با آمریکا بر سر پرونده هسته‌ای، دولت ایران به روسیه و چین نزدیک شد. به تدریج استراتژی شرق اهمیت بیشتری پیدا کرد. توافق هسته‌ای ۲۰۱۶ امیدها را برای بهبود روابط ایران و غرب و افزایش امکان تعادل در روابط خارجی فراهم ساخت. اما خروج ترامپ از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ باعث شد هم‌اصلاح‌طلبان ایرانی جایگاه خود را در سیاست ایران از دست بدهند و هم‌سیاست‌خارجی شرق به واقعیتی اجتناب‌ناپذیر برای ایران تبدیل شود. این موضوع مورد توجه مقامات عالی ایران بوده و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد این رویکرد فرموده‌اند:

در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهایایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ما است. عمدتاً نگاه باید طرف شرق باشد؛ نگاه طرف غرب و اروپا و مانند اینها برای ما جز معطل کردن، جز دردسر، جز منت کشیدن و کوچک شدن هیچ اثری ندارد. باید نگاهمان طرف شرق باشد؛ کشورهایایی هستند که می‌توانند به ما کمک کنند، می‌توانیم با چهره‌ی برابر با آنها مواجه بشویم، ما به آنها

^۱ مضمون این تعبیر را نخستین بار محی‌الدین مصباحی در مقاله زیر به کار برده بود:

Mesbahi Mohiaddin (2004), Iran and Central Asia: paradigm and policy, Central Asian Survey, Volume 23, Issue 2, PP 109-139.

کمک کنیم، آنها هم به ما کمک کنند، تبادل علمی با آنها داشته باشیم
(<https://www.leader.ir/fa/speech/20596/www.leader.ir>).

البته راهبرد شرقی ایران را نباید صرفاً واکنشی به سیاست های یکجانبه گرایانه آمریکا دانست، بلکه اقدامی برای انطباق با شرایط جدید جهانی نیز هست. نظام بین الملل به تدریج در حال قطبی شدن و چندجانبه شدن است و نقش قدرت های آسیایی در جهان رو به افزایش است. مجموعه نگرانی های کشورهای شرقی از تغییر نظام بین المللی و ستفالیایی و هنجارهایی مانند حقوق بشر، مسئولیت حمایت و مداخله بشر دوستانه و در حقیقت به عنوان بهانه ای برای عبور از قواعد حقوقی بین المللی و نیز یکجانبه گرایی امریکا در فشار بر دولتهای مستقل و اعمال تحریم های اقتصادی به گونه ای است که راهی جز همکاری و مسئولیت پذیری بیشتر برای نقش آفرینی در این روند باقی نخواهد ماند. شکل گیری نهادهایی چون سازمان همکاری شانگهای و گسترش دایره عضویت و مسئولیت های آن، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و روند تعامل گرایانه آن، سازمان همکاری اقتصادی اکو و چشم انداز گسترش فعالیتهای آن و نیز تعاملات میان این نهادها و میان منطقه گرایی فزاینده در حوزه های آسیایی و اوراسیایی و گسترش این همکاری ها تا ترکیه، طبعاً زمینه های مهمی برای یک راهبرد شرقی موثر در جهت شکل دهی به نظام بین المللی آینده است (Sanaei and Karami, 2021).

برخی تحلیل گران، مهم ترین دلایل برای این رویکرد را دسترسی به بازارهای بزرگ، توازن تجاری مناسب، منافع مشترک بالا، اثرگذاری کمتر دشمنان بر حوزه شرق، توان تکنولوژیکی و فناورانه بالای شرق، وجود پولها و ارزهای متفاوت و گسترده دانسته اند (farsi.khamenei.ir/38981). همچنین، باید توجه داشت که تعاملات منطقه ای خاورمیانه با اوراسیا و شرق آسیا بیش از هر زمان دیگری گسترش یافته است. کریدورهای ارتباطی شمال به جنوب و کمربند-راه نیز به پیوندهای اوراسیا کمک می کنند. خروج آمریکا از عراق و افغانستان و مشکلات آن در بحران سوریه فضای امنیتی منطقه ای متفاوتی را در خاورمیانه و جنوب آسیا ایجاد کرده است و در چنین شرایط جدیدی، نقش چین و روسیه در محیط راهبردی ایران بیش از هر زمان دیگری خواهد بود. همسایگی ایران با کشورهای جنوب آسیا و شبه قاره هند و همچنین از طریق دریای عمان و اقیانوس هند، آسیای مرکزی، حوزه دریای خزر، قفقاز و روسیه، شرق را

به مفهومی مهم در روابط خارجی ایران تبدیل کرده است. در مجموع مرز زمینی و دریایی ایران با شرق از مرز ارمنستان تا دریای عمان حدود ۵۰۰۰ کیلومتر است. ایران در افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز جایگاه مهمی دارد، زیرا سرزمین‌های بسته به دریاهای آزاد خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند دسترسی دارند. بنابراین سیاست شرقی تا حد زیادی یک ضرورت جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای ایران است.

از این رو، این یک واقعیت است که جایگاه و نقش ایران نیز به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بزرگ نسبت به گذشته متحول شده است. تحت فشار تحریم‌های آمریکا، ایران در تلاش است تا اقتصاد خود را متنوع کند و اوراسیا و چین را به شرکای اصلی اقتصادی خود تبدیل کند و همکاری گسترده‌تری را با آنها بگشاید. توافقیانه تجارت ترجیحی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در سال ۱۳۹۷ امضا شده و سپس برای دوره سه ساله بعدی تمدید شده است. مذاکرات ایران با روسیه برای هماهنگی در ایجاد منطقه آزاد تجاری در اوراسیا نیز آغاز شده و گویا قرار است در سال آینده این امر محقق شود (<https://www.tasnimnews.com/en/news/2022/08/31/2767349/russia>). همچنین، روابط روسیه و ایران به دلیل مواجهه هر دو کشور با تحریم‌های آمریکا و اروپا و جستجوی شرکای تجاری جدید افزایش یافته، به گونه‌ای که یک تحلیلگر پاکستانی نوشته است که:

بحران اوکراین به ایران کمک می‌کند تا با توجه به تلاش‌های مسکو برای مقابله با استراتژی‌های غرب برای اعمال مجازات‌ها بر سر جنگ، جایگاه خود را در دیدگاه روسیه بهبود بخشد. در اوراسیا است که ایران فرصت‌هایی برای گسترش نفوذ خود به افق‌های جدید دارد و خود را در قلب گذارهای بلندمدت اقتصادی و سیاسی قرار می‌دهد. از آنجایی که ایالات متحده و اتحادیه اروپا در کوشش برای گزینه‌های مناسب برای فشار بر روسیه هستند، بحران اوکراین ممکن است برای تهران در تنظیم دقیق راهبرد در حال تحول خود در این سرزمین وسیع و غنی از منابع مفید باشد (Hussain, 2022).

روابط با روسیه هم در «سیاست شرقی» دولت جدید ایران و هم در «سیاست همسایگی» آن نقش مهمی خواهد داشت که رئیس‌جمهور نیز بر آن تأکید زیادی دارد. ایران و روسیه در مناطق ژئوپلیتیکی جنوب آسیا و افغانستان، آسیای مرکزی و منطقه خزر، قفقاز و خاورمیانه با وجود

برخی اختلافات، اما منافع مشترکی دارند. نشست سمرقند در ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ و پذیرش عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای روند همکاری و پیوند ایران را با شرق بیش از هر زمان دیگری تقویت خواهد کرد. پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای نمادی است که جهت گیری شرقی را در توسعه روابط خارجی آن تحکیم می کند. حتی بازگشت احتمالی به توافق هسته ای نیز این روند را تغییر نخواهد داد. از نگاه نیکیتا سامگین، تحلیلگر روس:

ورود ایران به سازمان همکاری شانگهای در شرایطی صورت می گیرد که تقاضای فزاینده ای برای ایجاد سازوکارهای جدید همکاری های میان اعضا وجود دارد. قبل تر، سازمان همانند یک جایگزین نمایشی برای نظم غربی به نظر می رسید، اما امروزه، در برخی زمینه ها، به بدیلی ضروری تبدیل شده است. با خروج نیروهای آمریکایی از آن کشور، کشورهای سازمان برای مقابله با تهدیدات امنیتی ناشی از افغانستان، به جز خودشان به هیچ کس دیگری اتکا ندارند و بدون تهران، حل و فصل موثر افغانستان به سختی امکان پذیر است. در هر صورت، پیوستن ایران را می توان مرحله مهمی در شکل گیری سازمان به عنوان یک نهاد بین المللی متکامل تر نامید. گسترش عضویت، مشروعیت سازمان را افزایش می دهد. همزمان انتظارات از آن به عنوان یک قدرت جهانی نیز رو به افزایش است و از این رو، باید مسئولیت بیشتری را بر عهده بگیرد و به مسائل امنیتی محدود نشود (Смагин, 2021).

در منطقه اوراسیا ایران نیز با سه تهدید اصلی توافق شده در منشور سازمان همکاری شانگهای شامل افراطی گری، تروریسم و جدایی طلبی روبروست^۱ و همواره علاقه زیادی به همکاری اقتصادی در آسیای مرکزی داشته است. دولت جدید ایران علاوه بر سیاست شرق گرایانه، اهمیت زیادی برای همکاری با همسایگان ایران و پنج کشور اوراسیایی در مرزهای زمینی و دریایی مشترک قائل است و لذا عضویت در این نهاد منطقه ای، فرصت مهمی برای سیاست اوراسیایی ایران خواهد بود. مهم ترین امکان هایی که می تواند ایران را به اوراسیا پیوند داده و در مقوله های توسعه، امنیت، ثبات و همگرایی این منطقه به ایفای نقش موثر وادارد، عبارتند از:

الف. پیوندهای ارزشی، دینی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی؛

¹Charter of SCO 2002, Article 1, Goal and Tasks, In https://www.iri.edu.ar/publicaciones_iri/manual/Doc.%20Manual/Listos%20para%20subir/ASIA/SHANGHAI-ORG/charter_shanghai_cooperation_organization.pdf.

ب. مجاورت جغرافیایی پنج هزار کیلومتری از ترکیه تا جنوب آسیا؛
ج. موقعیت منحصر در پیوند مناطق راهبردی جهانی خاورمیانه، اوراسیا و شرق آسیا؛

د. زیرساخت های گسترده ارتباطی و حمل و نقلی ایران برای دسترسی به دریاهای آزاد؛ و
ه. امکان های نهادی مهم در اکو، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی.
اما سیاست شرقی و سیاست اوراسیایی ایران با محدودیت ها و آسیب پذیری هایی نیز روبروست. در اینجا قصد نقد کلی این سیاست را نداریم، بلکه صرفاً برخی از محدودیت های آن را مطرح می کنیم. در مسائل قفقاز، ایران با شرایط دشواری روبروست. چین هیچ سیاست روشن و موثری در این حوزه ندارد. همچنین، روسیه نیز در مورد قفقاز کمتر حاضر به همکاری مستقیم با ایران بوده و به همین خاطر نیز ایران از روند تحولات مانده دور مانده و نگران شکل گیری آنها به دور از منافع ژئوپلیتیک خود است. همچنین باید به مسائل اقتصادی اشاره کرد که در نبود یک بخش خصوصی اقتصادی قدرتمند، ایران قدرت عمل اندکی در تعامل با کشورهای منطقه داشته است. این در حالی است که بسیاری از رقبای ایران، کمتر با چنین مشکلی روبرو بوده اند.
اصولاً اقتصاد به طور سنتی پاشنه آشیل روابط روسیه و ایران هم بوده است. هم وجود تحریم های اعمال شده علیه ایران که به شرکت های بزرگ روسی اجازه تعامل فعال با تهران را نمی داد و هم ویژگی های اقتصاد روسیه، یعنی کمبود پول کافی برای سرمایه گذاری خارجی در این رابطه مهم بوده اند. به همین خاطر هم طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته، تجارت بین دو کشور، با وجود اظهارات مقامات دو طرف برای رساندن آن به ۱۰ میلیارد دلار، تنها طی دو یا سه سال از مرز ۳ میلیارد دلار گذشته است (Kojanov, 2022). بسیاری از توافقات اقتصادی و طرح های مشترک همچنان معطل مانده اند. توافق راهبردی با چین هم به خاطر محدودیت های ناشی از تحریم های اقتصادی همچنان روی کاغذ مانده است. به نظر می رسد بدون برداشته شدن تحریم های بین المللی و نیز ایجاد تعاملات جدی تر ایران با نهادهای اقتصادی، پولی و مالی بین المللی که متأسفانه در انحصار غرب هستند، خروج از این محدودیت های اقتصادی در کوتاه مدت دشوار باشد.

با وجود این، آنگونه که در مباحث پیشین اشاره شد، از یکسو، منطقه اوراسیای مرکزی در پرتو طرح‌ها، ابتکارات و رویدادهای بزرگ منطقه‌ای و جهانی دچار تحولاتی اساسی شده که نسبت به ده سال پیش به کلی متفاوت است و این تحولات در مجموع فرصت‌ها و امکان‌های مهمی را برای شکل‌گیری یک نظام بین‌المللی چندقطبی، چندگانه و متکثرتر از گذشته فراهم ساخته و قدرت‌بازیگری قدرت‌های منطقه‌ای همانند ایران را افزایش داده و در پرتو آن سیاست اوراسیایی ایران بیش از هر زمان دیگری اولویت یافته و عضویت رسمی در سازمان همکاری شانگهای نقطه عطفی در این رابطه می‌باشد. از سوی دیگر، بخاطر فشارهای غرب و به ویژه خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و روی کار آمدن دولتی با نگرش متفاوت، تهران سیاست شرقی‌تری را در پیش گرفته که می‌تواند تناسب بیشتری با این شرایط و محیط دگرگون‌شونده به ویژه در حوزه اوراسیای مرکزی داشته باشد. اما اینکه سیاست جدید چه پیامدهایی برای منطقه اوراسیا خواهد داشت، موضوع بحث پایانی این مقاله است.

امکان‌های نو برای امنیت و توسعه اوراسیایی

در بحث نظری گفتیم که امنیت منطقه‌ای در عالی‌ترین سطح خود مستلزم همگرایی منطقه‌ای است که موضوعی عمدتاً اقتصادی است و این بدون همکاری‌های اقتصادی گسترده فراهم نخواهد شد. از این رو، هر تلاشی برای همکاری اقتصادی و برنامه‌های توسعه، آثار و پیامدهای مهمی برای امنیت خواهد داشت و امنیت نیز به نوبه خود پشتیبان ویژه‌ای برای توسعه اقتصادی خواهد بود. کشورهای منطقه اوراسیایی با اینکه در سه دهه گذشته تلاش‌های زیادی برای توسعه اقتصادی کرده‌اند، اما در عمل به خاطر رقابت‌های بین‌المللی، سیاست‌های ناموفق خصوصی‌سازی، مشکل سرمایه‌گذاری و دسترسی آسان به بازارهای جهانی نتوانسته‌اند توفیق مهمی در این حوزه داشته باشند و ناکارآمدی دولت‌ها، تنش‌های منطقه‌ای و رقابت قدرتهای بزرگ به ناامنی بیشتر و تاخیر در امر توسعه دامن زده است.

یکی از مشکلات مهم کشورهای اوراسیایی مساله دسترسی به بازارهای جهانی بوده و مساله راهگذرها با وجود تلاش‌های فراوان اما هنوز نتوانسته به سرانجام روشنی برسند و در اقتصاد کشورها اثر گذار باشند. علت اصلی نیز به نگاه انحصاری و رقابتی به راهگذرها مربوط بوده که

اصلی‌ترین و نزدیک‌ترین مسیر را که همان راهگذر شمال-جنوب^۱ و از مسیر ایران است، بخاطر خصومت غرب و فشار بر دولت‌های منطقه، نادیده گرفته‌اند. با توجه به تحولاتی که در مبحث دوم این نوشتار به آن اشاراتی شد، قابلیت‌های گسترده ایران به لحاظ زیرساختی، موقعیتی و نهادی در حال افزایش است و شرائط بین‌المللی و منطقه‌ای نیز بخاطر بحران اوکراین، راهبرد شرقی روسیه، تنش‌های بین‌المللی آمریکا با روسیه و چین و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نیز امکان‌های مهمی برای فعلیت بخشیدن به این قابلیت‌ها فراهم کرده‌اند. تمرکز دولت بر سیاست شرقی و همسایگی نیز می‌تواند وضعیت مثبت تری ایجاد کند.

لذا راهبرد جدید ایران می‌تواند پیامدهای مهمی برای روابط با روسیه، چین و کشورهای دیگر منطقه داشته باشد. ایران با توجه به تجربه همکاری موثر با روسیه در زمینه مبارزه با تروریسم و ایجاد ثبات در سایر کشورها، ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای و همچنین نقش مهم این کشور در سازمان اگو، موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور در کریدور شمال-جنوب و جاده ابریشم آسیایی، موقعیت و نقشی کلیدی در مسائل اوراسیایی دارد. به عبارت دیگر، ایران حلقه مفقوده هر ابتکار، نظم، همکاری و همگرایی منطقه‌ای اوراسیایی خواهد بود. ایران نقطه پیوند روندهای فرهنگی، فکری، امنیتی و نهادی در سه منطقه استراتژیک خاورمیانه، اوراسیا و آسیا است. این ویژگی‌های مهم ارتباطی در کنار توانمندی‌های اقتصادی، انرژی و امنیتی می‌تواند برای ایران به‌عنوان یک بازیگر مسئول و مثبت در شکل‌دهی نظام آینده منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاه مهمی را ایجاد کند.

برای سازمان همکاری شانگهای، قلمرو ایران به‌عنوان یک کمر بند گذر راهبردی بین اوراسیا و غرب آسیا عمل خواهد کرد. برای ایران، عضویت نشان‌دهنده اولین مشارکت آن در یک سازمان چندجانبه و فراملی است که بر امنیت جمعی تمرکز دارد. کمتر کسی در میان مقامات سیاست خارجی ایران با توجه به حمایت مشترک آنها از نظم جهانی چندقطبی و حمایت مسکو از عضویت ایران در نهادهای چندجانبه اوراسیایی مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و سازمان همکاری شانگهای به اهمیت روسیه برای ایران تردید دارند. اشتیاق ایران برای شرکت در این مجمع، به دور از افزایش استقلال اقتصادی کشور، بر عدم تقارن در روابط دوجانبه با مسکو و پکن خواهد افزود (Therme, 2022: 26).

1 International North-South Transport Corridor (INSTC)

ایران طی سه دهه گذشته با گسترش روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای اوراسیا به دنبال ایفای نقش موثر در برقراری صلح، ثبات و امنیت منطقه ای بوده است. همکاری با روسیه برای صلح در تاجیکستان در سال ۱۹۹۶، میانجیگری در بحران قره باغ و همکاری با روسیه در حمایت از ائتلاف شما در افغانستان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ از مهمترین اقدامات ایران در گذشته بوده و این اقدامات نقش مهمی در صلح و امنیت منطقه ای در سه دهه گذشته داشته اند. اما طبیعی است که دولت جدید ایران با اتخاذ سیاست شرق گرایانه جدید در شرایط دگرگون شونده بین‌المللی و منطقه‌ای تلاش خواهد کرد نقش مهم‌تری در منطقه ایفا کند و این سیاست جدید پیامدهای مهمی برای منطقه به همراه خواهد داشت.

ایران به عنوان بخشی از سیاست شرقی خود یک توافقنامه همکاری استراتژیک مهم ۲۵ ساله با چین امضا کرده است. بر اساس این توافق، چین سرمایه گذاری زیادی در توسعه ارتباطات و زیرساخت های بندری ایران خواهد کرد که اوراسیا را به خلیج فارس متصل می کند (Khanmohammadi & Sun, 2022). قرارداد راهبردی بیست ساله با روسیه نیز بنا به اظهارات مقامات دو کشور تا پیش از سال میلادی جدید امضا خواهد شد. این دو قرارداد در کنار توافقات متعددی که بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز منعقد شده و فعال شدن راهگذر شمال-جنوب که در سال جاری (۱۴۰۱) برای نخستین بار پس از بیست سال عملیاتی شده، می تواند وابستگی متقابل اقتصادی گسترده ای بین ایران و منطقه اوراسیا ایجاد کند. در اهمیت نقش اوراسیایی ایران و پیامدهای آن برای منطقه، یک تحلیلگر نظامی امریکایی می نویسد:

همکاری های نظامی و اقتصادی ایران و روسیه و چین، اهمیت طرح اوراسیای بزرگتر را چند برابر خواهد کرد. ایران پلی است که شمال/جنوب/شرق و غرب را با بنادر قابل دسترسی به کشورهای اوراسیا گرد هم می آورد. در عین حال، ایران دارای یک سیستم حمل و نقل موثر است که مراکز مهم جمعیتی اوراسیا را به بقیه خاورمیانه و آفریقا متصل می کند. ایران می تواند حلقه اوراسیا را ببندد و آن را غیرقابل نفوذ کند، یا اتحاد ایران با قدرت های دریایی، می تواند قدرت های اوراسیایی را دچار دردسر می کند (Asisian, 2022: 11).

یک تحلیل گر روس نیز پیش از این نوشته بود که:

ایران یک قدرت منطقه‌ای مستقل است که نفوذ آن از دریای مدیترانه در غرب تا افغانستان در شرق و از ماوراء قفقاز در شمال تا عدن در جنوب گسترش می‌یابد. اکنون که حضور نظامی غرب در افغانستان به تدریج کاهش یافته، ایران و روسیه بار دیگر باید از نزدیک با یکدیگر همکاری کنند تا اطمینان حاصل شود که افغانستان بی ثبات به تهدید امنیتی برای هر دو کشور تبدیل نمی‌شود. منبع دیگر نگرانی قاچاق مواد مخدر افغانستان است که ایران و روسیه نه تنها به مناطق ترانزیتی، بلکه به بازارهای رو به رشد تبدیل شده‌اند (Тренин, 2016).

از این رو، ایران دارای اهمیت اقتصادی و استراتژیک زیادی برای منطقه اوراسیایی است. در این رابطه، ارتباط بین دو مرکز ژئوپلیتیکی و انرژی جهان، خلیج فارس و دریای خزر، از اهمیت راهبردی قابل توجهی برخوردار است. رقابت برای مدیریت پیوندهای بین این دو مرکز، هسته اصلی نظم جهانی نوظهور آینده را تشکیل خواهد داد. در حقیقت، نبرد برای ایران، نبرد برای روح اوراسیا است. دسترسی بدون مانع ایران به هارتلند اوراسیا، دریای خزر و قفقاز جنوبی یک فرصت استراتژیک منحصر به فرد برای ایران ایجاد می‌کند تا نقش برجسته تری در نظام سیاسی بین‌المللی ایفا کند. اگر چه، نقش آینده ایران در نظام جهانی به سیاست‌هایی اعمال شده توسط دولت‌ش بستگی دارد. اگر ایران به غرب نزدیک شود، هر دو نقش مهم تری در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی خواهند داشت (Asisian, 2022: 23).

برای اینکه چین و روسیه بتوانند از منافع اوراسیایی خود دفاع کنند، به شدت به ایران نیاز دارند تا مسیری را که پس از انقلاب دنبال کرده حفظ کند. موضوع دیگر به همان اندازه مهم این است که راه آهن ایران همان نقشی را ایفا می‌کند که راه آهن ترانس سبیری در حال حاضر برای اتصال چین به اروپا ایفا می‌کند. می‌توان راه آهن ترانس سبیری را پیوند شمالی اوراسیا و راه آهن ایران را یک پیوند جنوبی اوراسیا دانست. برای درک اهمیت این خط ارتباطی برای منافع استراتژیک روسیه و چین، باید به خاطر داشت که ایران حلقه‌ای است که تمام خطوط راه آهن خاورمیانه و خطوط ارتباطی را به قفقاز و آسیای مرکزی متصل و در نهایت به روسیه، چین، پاکستان، افغانستان و از طریق دریا تا هند و دریای چین جنوبی گسترش خواهد یافت. در بلندمدت، ایران ممکن است بتواند خطوط ارتباطی هارتلند جنوبی را از طریق بنادر خود یا جاده‌هایی که مصر را به اردن و

عربستان سعودی متصل می‌کند به اوراسیا متصل کند و این شامل راهگذرهای مهمی می‌شود (Asisian, 2022: 24).

مهم‌ترین موانع پیش روی ایران در راه‌اندازی کریدورهای ارتباطی منطقه‌ای به مسیرهای دریایی جهانی در تمام این سال‌ها، فشار تحریم‌های اقتصادی و فشار آمریکایی‌ها به کشورهای منطقه برای محدود کردن همکاری‌ها با ایران بوده است. با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و همکاری‌های گسترده‌تر در چارچوب سیاست شرقی دولت جدید و همچنین احتمال بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای، این موانع تا حدی کاهش می‌یابد. در نتیجه، همکاری ایران در زمینه حمل و نقل، انتقال انرژی و روابط اقتصادی گسترده‌تر، کارآیی دولت‌های منطقه را بهبود می‌بخشد و این نه تنها می‌تواند به همکاری و همگرایی بیشتر اقتصادی در منطقه کمک کند، بلکه، همچنین راه را برای مشارکت امنیتی بیشتر ایران در معادلات امنیت منطقه‌ای هموار خواهد کرد. علاوه بر این، در چارچوب سیاست شرقی ایران، مشارکت گسترده‌تری با ابتکار کمربند جاده چین ایجاد خواهد شد و این موضوع برای کشورهای آسیای مرکزی اهمیت زیادی دارد و به توسعه اقتصادی آنها کمک می‌کند. طبیعی است که ادامه همکاری‌های تجاری ایران و اوراسیا با جدیت بیشتر نتایج خوبی به دنبال داشته باشد.

در سه دهه اخیر و در شرایط کنونی، منطقه اوراسیا با چهار موضوع مهم مواجه است که عبارتند از: امنیت، توسعه، ارتباطات و حمل و نقل، انتقال انرژی. این مسائل به شدت به هم مرتبط هستند و علت بسیاری از ناامنی‌ها مشکلات اقتصادی است و مسائل امنیت، توسعه، ارتباطات و انرژی به هم گره خورده‌اند. ایران در همه این مسائل با کشورهای منطقه منافع مهم و مشترکی دارد و می‌تواند در راستای تحقق آن منافع مشترک گام‌های مهمی بردارد. در حوزه امنیت منطقه، مهمترین تهدید امنیتی کشورهای اوراسیا، افراط‌گرایی، تروریسم، شورش داخلی و جنگ بر سر مسائل مرزی و سرزمینی است که در دو سال اخیر بیش از گذشته نگران‌کننده شده است.

اما آنچه زمینه‌های لازم را برای ناامنی و شورش در کشورهای منطقه ایجاد می‌کند، ناکارآمدی دولت‌هاست و این ناکارآمدی به دلیل بسته بودن سرزمین بسیاری از کشورهای منطقه، محدودیت حمل و نقل و تجارت خارجی است. برای این منظور، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش موثری در کارآمدتر کردن دولت‌های منطقه ایفا کند. بر اساس اقدامات ایران در حوزه

حمل و نقل به ویژه تلاش‌های انجام شده برای تحقق راهگذر شمال-جنوب، در تابستان ۱۴۰۱ برای نخستین بار این ابتکار بزرگ منطقه‌ای به مرحله عملیاتی رسیده^۱ و نخستین محموله از روسیه به هند ارسال شده است. لذا کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از طریق ایران و در چارچوب کریدور شمال - جنوب به خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند دسترسی می‌یابند. ایران زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطی گسترده‌ای دارد و خطوط ریلی و جاده‌ای ایران از مرزهای افغانستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و بنادر دریای خزر تا بنادر خلیج فارس و دریای عمان امتداد دارند. اگر کشورهای منطقه به بنادر دریاهای آزاد دسترسی داشته باشند، طبعاً وضعیت توسعه اقتصادی منطقه بهبود می‌یابد.

نتیجه‌گیری

واقعیت‌های ژئوپلیتیکی مانند همجواری جغرافیایی پنج هزار کیلومتری و سه هزار کیلومتر مرز مشترک با منطقه و ارتباطات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و از همه مهمتر اقدامات ایران در موضوعات مختلف منطقه اوراسیا از جمله میانجیگری در بحران قره باغ از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، صلح در تاجیکستان از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ و حمایت از ائتلاف شمال افغانستان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که نقش ایران هم در همکاری و امنیت در منطقه اوراسیا و هم در اتصال این منطقه به خاورمیانه، خلیج فارس و اقیانوس هند غیرقابل انکار است. اما این نقش آفرینی در سه دهه گذشته با وجود اهمیت آن، اما نتوانسته متداوم و پایدار باشد و معمولاً مقطعی بوده است و از این رو، بی‌توجهی به ایران در سه دهه گذشته به ضرر ایران و نیز کشورهای منطقه بوده است و لذا هیچ کشوری نتوانسته خلأ حضور ایران در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه را پر کند. در سال‌های اخیر شرایط جهانی و منطقه‌ای به تدریج دگرگون شده و امکان‌های جدیدی برای نقش آفرینی و پیگیری طرح‌های ثبات ساز و توسعه بخش ایران فراهم شده است. بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و ابتکارات روسی، چینی و استقلال عمل ایران و نگرش دولت جدید که با نگاه به شرق، اولویت بیشتری به منطقه اوراسیا داده، می‌تواند با افزایش موقعیت خود در منطقه تأثیر بسزایی بر ثبات و امنیت منطقه داشته باشد. در ابتدای مباحث اشاره شد که در دنیای امروز

^۱ کریدور شمال-جنوب روی ریل عملیاتی شدن در دولت سیزدهم (<https://www.irna.ir/news/84882554>).

امنیت و توسعه به شدت به یکدیگر وابسته هستند و ظرفیت ایران برای دسترسی منطقه ای به خطوط دریایی و انتقال انرژی از منطقه به بازارهای جهانی کمک زیادی به کارایی و توسعه اقتصادی منطقه اوراسیا می کند و این می تواند به امنیت ملی کمک کند.

لذا در آستانه دهه چهارم استقلال اوراسیا به نظر می رسد زمان پایان دادن به محدودیت نقش ایران در توسعه اقتصادی منطقه و آغاز دوره تعامل مثبت و پویا فرا رسیده است. همانطور که روسیه با مشارکت بیشتر ایران، چین، ترکیه، هند و پاکستان در منطقه از طریق ابتکار عمل اوراسیا بزرگ موافقت کرده است، ایران نیز این فرصت را دارد که بر محدودیت های گذشته در زمینه همکاری با منطقه غلبه کند. ایران از طریق دو سازوکار مشارکت فعال در پروژه ها و نهادهای اوراسیا و ایفای نقش به عنوان پل منطقه ای با خلیج فارس، خاورمیانه و مسیرهای دریایی جهان، این فرصت را دارد تا به ثبات، امنیت و توسعه منطقه در اوراسیا کمک کند. بنابراین، به نظر می رسد دگرگونی شرائط منطقه اوراسیا را بایستی آغاز انتخاب جدیدی برای ایران و منطقه در راستای ایجاد امنیت و توسعه و همگرایی منطقه ای دانست.

از این رو، مجموعه تحولات بزرگ بین المللی به ویژه پس بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و سپس جنگ ۲۰۲۲، طرح های موجود در سطح منطقه ای و نیز سیاست همسایگی و سیاست نگاه به شرق در دولت جدید ایران امکان های مهمی برای تحول نقش و جایگاه ایران ایجاد کرده اند و بهره گیری از این ظرفیت های ارتباطی و جغرافیایی می تواند توسعه اقتصادی را در ایران و منطقه اوراسیایی رقم بزند و از این طریق به ژرفابخشی امنیت در سطوح ملی و منطقه ای کمک کند. این موضوع بر اساس الگوی تحلیلی ارائه شده در مباحث مقدماتی این مقاله و تجربه های مهم منطقه ای دیگر ممالک نیز تصریح شده که هر نقش موثری از سوی بازیگران منطقه ای در روند توسعه منطقه می تواند به ثبات و پایداری امنیت و در نتیجه به گسترش همگرایی منطقه ای و ایجاد یک جامعه امن منطقه ای کمک کند.

اما اینکه بتوان چنین امر سترگی را به گونه موثری پیش برد به کارآمدسازی ساختارهای دولتی، تقویت بخش خصوصی اقتصاد کشور و توجه به توسعه اقتصادی ست. طبعاً سیاست اوراسیاگرا به تنهایی شفافبخش همه مشکلات سیاست خارجی و منطقه ای نخواهد بود و حتی بدون حل منطقی برخی از مشکلات سیاست خارجی، امکان بهره گیری از این فرصت های منطقه

ای و بین‌المللی نیز نخواهد بود. برداشتن تحریم‌های ظالمانه و روان‌سازی امکان‌تعامل با نهادهای مالی بین‌المللی کار آسانی نیست و محافل صهیونیستی درون امریکا، رژیم صهیونیستی و دیگر دشمنان کشور در تلاشند تا مجال نقش‌آفرینی ایران در منطقه و به تعبیری که در متن به آن اشاره شد، «روح اوراسیا» را محدود سازند.

فهرست منابع

- بلامی، الکس (۱۳۸۶)، جوامع امن و همسایگان، ترجمه محمود یزدان فام و پریسا کریمی نیا، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیانات آیت الله خامنه ای در مورد سیاست شرقی جمهوری اسلامی ایران، در سایت رهبر انقلاب اسلامی: <https://www.leader.ir/fa/speech/20596/www.leader.ir>
- عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۶)، چین و آسیای مرکزی؛ نفوذ منطقه ای و هژمونی بین المللی، تهران، نشر مخاطب.
- شش دلیل برای ترجیح شرق به غرب، در سایت رهبر انقلاب اسلامی: [https://farsi.khamenei.ir/others-\(note?id=38981\)](https://farsi.khamenei.ir/others-(note?id=38981))
- کریدور شمال-جنوب روی ریل عملیاتی شدن در دولت سیزدهم <https://www.irna.ir/news/84882554>
- کوهن، سائول (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران، نشر موسسه ابرار معاصر.
- لفت ویک، آدریان (۱۳۸۴)، سیاست و توسعه در جهان سوم، ترجمه مهدی میر محمدی، تهران، نشر موسسه ابرار معاصر.
- ملکی، عباس و مجید رئوفی (۱۳۹۶)، راه ابریشم جدید، یک کمربند و یک جاده، تهران، نشر موسسه ابرار معاصر.
- نیاکویی، سید امیر و عسگر صفری (۱۳۹۹)، نقش ابتکارات منطقه ای در گذار از نظام تک قطبی به نظام چندقطبی: مطالعه موردی طرح اوراسیای بزرگتر، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۹، بهار ۱۳۹۹.
- Asisian, Njdeh (2022), Iran, China, and the Future World Order Unipolarity or Multipolarity? Kenney Papers, No. 1, Air University Press, Muir S. Fairchild Research Information Center, Maxwell Air Force Base, Alabam.
- Ayoob, Mohammed (1995), the Third World Security Predicament: State Making, Regional Conflict, and the International System, London, Lynne Rienner Publishers.
- Bordachev, Timofei (2019), Greater Eurasia: What Is Yet To Be Done? Available at: <https://valdaiclub.com/a/highlights/greater-eurasia-what-is-yet-to-be-done/>
- Charter of SCO, 2002, Article 1, Goal and Tasks, https://www.iri.edu.ar/publicaciones_iri/manual/ASIA/SHANGAI-ORG/charter_shanghai_cooperation_organization.pdf.
- De Wall, Thomas (2021), In the South Caucasus, Can New Trade Routes Help Overcome a History of Conflict? Carnegie Europe, Available at: <https://carnegieeurope.eu/2021/11/08/in-south-caucasus-can-new-trade-routes-help-overcome-history-of-conflict-pub-85729/>
- Harper, Tom (2019), China's Eurasia: the Belt and Road Initiative and the Creation of a New Eurasian Power, The Chinese Journal of Global Governance, No, 5 (2019) 99–121, brill.com/cjgg, Available at: <file:///C:/Users/Co/Downloads/23525207/pdf>
- Hussain, Agha (2022), How the Ukraine Crisis Benefits Iran's Eurasia Strategy, Carnegie Endowment for International Peace, July 7, 2022.

- IRAN: EAEU Interim Free Trade Agreement Extended Until 2025, Available at: <https://research.hktdc.com/en/article/OTQ4OTMyMTAx/>
- Kanet, Roger (2017), *the Russian Challenge to the European Security Environment*, London, Khanmohammadi, Sarvenaz & Degang Sun (2022), *China-Iran strategic cooperation agreement in the changing international system*, Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/25765949.2022.2051316/>
- Kozhanov, Nikolay (2015), *Understanding the Revitalization of RussianIranian Relations*, Carnegie Moscow Center, Available at: https://carnegieendowment.org/files/CP_Kozhanov_web_Eng.pdf
- Medvedev's speech to the World Policy, Conference in Evian, on 8 October 2008: http://www.kremlin.ru/eng/speeches/2008/10/08/2159_type82912type82914_207457.
- Mesbahi, Mohiaddin (2004), *Iran and Central Asia: paradigm and policy*, Central Asian Survey, Volume 23, Issue 2.
- Remler, Philip (2020), *Russia's Stony Path in the South Caucasus*, Available at: <https://carnegieendowment.org/2020/10/20/russia-s-stony-path-in-south-caucasus-pub-82993/>
- Richardson, John (2020). *Iran and China New Deal Could Hasten Belt & Road Initiative Petrochemicals Self-Sufficiency*. Available at: <https://www.icis.com/asian-chemical-connections/2020/07>
- Rumer, Eugene and Richard Sokolski (2020), *Thirty Years of Circling: US Policy toward Russia*, Carnegie Moscow Center, available at: <https://carnegie.ru/2020/04/21/ru-pub-81258/>
- Sanaei, Mehdi (2019), *Eastern Policy Will Be Reinforced in the World*, Available at: <https://www.salameno.com/news/20822679>
- Sanaei, Mehdi, Karami, Jahangir (2021), *Iran's Eastern Policy: Potential and Challenges*. *Russia in Global Affairs*, No. 3, 2021 July/September. DOI: 10.31278/1810-6374-2021-19-3-25-49.
- Schievels, Jelte (2019), *Examining and Critiquing the Security–Development Nexus*, Available at: <https://www.e-ir.info/2019/07/15/examining-and-critiquing-the-security-development-nexus/>
- Security and development, Available at: <https://www.sipri.org/yearbook/2015/08>
- Stewart, F., 2004, *Development and Security*, Centre for Research on Inequality, Human Security and Ethnicity (CRISE) Working Paper 3, Queen Elizabeth House, Oxford University.
- Sukhankin, Sergey (2018), *From 'Turn to the East' to 'Greater Eurasia': Russia's Abortive Search for a Far East Strategy*, *Eurasia Daily Monitor*, Volume: 15 Issue: 177.
- Therme, Clement (2022), *the Russian-Iran Partnership in a Multipolar World*, In IFRI, *Russia /NIS Center*, No 37, March 2022.
- Trenin, Dmitri (2021), *Russia's National Security Strategy: A Manifesto for a New Era*, Carnegie Moscow Center, Available at: <https://carnegie.ru/commentary/84893/>
- Yiwei, Wang and Duan Minnong (2022), *Is Greater Eurasia Possible Without Europe: A Security Perspective?* Available at: <https://valdaiclub.com/a/highlights/is-greater-eurasia-possible-without-europe/>

Russia Planning Iran-EAEU Free Trade Zone,
<https://www.tasnimnews.com/en/news/2022/08/31/2767349/russia-planning-iran-eaeu-free-trade-zone>

Дружиловский С.Б. Российско-иранские отношения после создания Исламской республики Иран, Российско-иранские отношения. Проблемы и перспективы. Под ред. Е.В. Дунаевой, В.И. Сажина. Москва: ИНСТИТУТОМ ВОСТОКОВЕДЕНИЯ, 2015. — 260 с.

Дуткевич П. Не расколоть страусиное яйцо: Центральная Азия после ухода США и НАТО из Афганистана, Россия в глобальной политике, 06/07/2021. Интернет-архив [веб-сайт]. URL: <https://globalaffairs.ru/articles/ne-raskolot-strausinoe-yaiczo> (дата обращения: 14.12.2021).

Иран поможет России в большой кавказской проблеме, 15 сентября 2022, TASS Agency, Геворг Мирзаян, доцент Финансового университета (<https://vz.ru/world/2022/9/15/1177676.html>).

Кожанов Н (2022), наступает новая эра в отношениях РФ и Ирана, euronews, <https://ru.euronews.com/2022/07/18/web-iran-kozhanov-itw>

Смагин, Никита (2021), Иранист, эксперт РСМДИран в ШОС: вынужденный поворот на Восток и альтернативный миропорядок, Российский совет по международным делам РСМД, 6 октября 2021 (<https://russiancouncil.ru/analytics-and-comments/analytics/iran-v-shos-vynuzhdenny-povorot-na-vostok-i-alternativnyy-miroporjadok/>).

Тренин Д (2016). Россия и Иран: недоверие в прошлом и сотрудничество в настоящем, IN Carnegie Endowment for International Peace. September 08.

<https://www.farsnews.ir/news/14010713000443>

<https://dolat.ir/detail/431818>

